

## متن پرسش

سلام علیکم حضرت استاد در بخش هایی از کتاب معاد سعی وافری به خرج میدهند تا اثبات کنند که معاد جسمانی است اما نه جسم مادی و اینجهانی بلکه جسمی هماهنگ با شرایط برزخ که به آن جسم مثالی گویند اما باید پرسید آیه ۲۶۰ سوره بقره چگونه با این نظریه قابل جمع است آنچه به نظر بنده باعث ناهماهنگی نظر جنابعالی با آیه مذکور شده است این است که ۱. حضرت ابراهیم علیه السلام واقعا ۴ پرنده واقعی میگیرند و همین بدن مادی آنها را کوبیده و پاره پاره می کنند و باز همین ها را بر سر کوهها می گذارند و بعد هر کدام را صدا می زنند ۲. ممکن است پاسخ داده شود که در آیه هیچ نشانه ای بر اینکه پرنده ها پس از فراخوانده شدن با جسم مادی حاضر شوند نیست و ممکن است روح آنها در حالتی مکاشفه گونه برای حضرت تمثیل یافته است اما در پاسخ باید گفت که اگر منظور این گونه معاد بود پس عمل اول حضرت مبنی بر گرفتن چهار پرنده و تکه تکه کردن آنها عملی بیهوده می نماید زیرا حضرت می توانستند فی البداهه به دشتی رفته و ارواح پرندگان شکار شده را احضار کنند پس معلوم می شود آیه مذکور بر چیزی فراتر از احضار ارواح اشاره دارد ۳. این آیه با نظریه جسم مثالی به ستیز برمی خیزد زیرا این عقیده ها و ایمانهای افراد است که سازنده جسم مثالی است در حالیکه برای پرندگان ایمان و عقیده امری بعید می نماید و سوال اصلی این که آیا وقت آن نرسیده است که در مواجهه با معارف قرآنی عقل بالفضول را رها کنیم و به ناتوانی آن در چنگ زدن به بعضی معارف اعتراف کنیم. آیا در این مسیر ایمان مرکبی راهوارتر نیست و آیا قرآن به ایمان آورندگان به غیب بشارت فلاح نداده است و چه زیبا گفت کیرکگور(فیلسوف ایمانی) به هگل(فیلسوف عقلی و مفهومی) که عقل تو هیچگاه توانایی کشف همه رازهای هستی را ندارد زیرا آن محیط است و تو محاط

## متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: ۱- در مورد آیهی ۲۶۰ سورهی بقره عنایت بفرمایید که حضرت ابراهیم«علیه السلام» می‌خواهند در این دنیا کیفیت احیاء مردگان توسط خدا را ببینند و خداوند هم در این دنیا احیاء مردگان را به حضرت نشان می‌دهد، و چون احیاء پرندگان در این دنیا واقع شده، با بدن این دنیایی باید واقع شود، همان‌طور که اگر در برزخ یا قیامت چنین واقعه‌ای واقع می‌شد با بدن برزخی یا قیامتی واقع می‌شد. اگر بخواهیم در معاد جسمانی بر جسم مادی تأکید کنیم جمع موضوع با آیاتی از قرآن و روایاتی از اهل‌البیت«علیهم‌السلام» قابل جمع نیست. عنایت بفرمایید که روایات

می‌فرماید افراد به صورت اخلاق خود محشور می‌شوند □ یعنی صورت بوزینه و بعضی به صورت خوک و ...- و یا قرآن می‌فرماید: « الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ » چطور می‌شود که دهان‌ها بسته می‌شود و دست و پا سخن می‌گویند. جز این است که جسم آن‌ها صورت اخلاق و عقاید آن‌ها را به‌خود گرفته؟ آیا این نشان نمی‌دهد که آن شرایط طوری است که جسم‌ها ظرفیت ظهور اخلاق و عقاید را دارند؟ به جزوه‌ی «نحوه‌ی حیات بدن اُخروی» رجوع فرمایید. ۲- در مورد سخن کی‌یرک‌گور عنایت داشته باشید که هیچ عقلی نمی‌تواند مسیحیت تحریف‌شده را توجیه کند، ولی رسول خدا «صلوة‌الله‌علیه‌وآله» می‌فرمایند: «لِكُلِّ شَيْءٍ اسَاسٌ و اسَاس هَذَا الدِّينِ الْعَقْل» هرچیزی را اساسی است و اساس این دین عقل است و قرآن نیز ما را به تدبّر در آیات دعوت می‌کند، چون اگر با عقل سالم در دین تدبّر شود بهتر به حقیقت مطالب می‌رسیم. موفق باشید